

لما بعد الموت واللاحق من اتبع نفسه هو باقوتن على الله اي فرزنديشي بها كزين
 وشنه ونيكار علم و مطالعه آن مشغول بوده و بسبب خويها و خوشي كه بخود
 حرام کرده ندانم كه باعث آن چه بوده است اگر عرض آن دنيا و جلب حطام
 آن و تحصيل مناصب و مباحات با قرآن و اشغال خود بوده است فويل
 لك ثم ويل لك و اگر عرض تو اجيا و شريعت و دين جهمي بوده است و تاهبا
 اخلاق قطوبي لك ثم قطوبي لكهم و لقد صدق من قال
 سهر العيون لغير وجهك باطل و بكاء هين لغير فقدك ضايح
 اي فرزند عشق ما شيت فانك ميت و اجبت من شيت فانك مفارقة و اكل
 ما شيت فانك مجري ترا از تحصيل علوم كلام و خلافي و طب و نجوم و شعر و فنون
 و دواوين و مخاسن چه حاصل چه نصيب عر جلال و قدرت ذو الجلال كه در انجمن
 عيسى عليه السلام خوانده ام كه انا نگاه باز كه ميت را بر خيانت نهند تا نگاه كه
 بلب كور بر بند باري تعالى بخودي خود از سوال كندا و اول اين كينه
 كه عدي قد طهرت منظر الخلق سنين بال طهرت منظر اي فرزند من
 بدل تو ندا ميكند ما تصنع لغيري و انت تخفوق بخيري اما تو خود كويي وني
 شتوي اي فرزند علم بي عمل ديوانگيست و عمل بي علم پيكاني علمي كه ترا در
 از معاصي باز ندارد در طاعة نزار و فر و ترا از انش و وزخ هم باز دارد و اگر
 احو و عمل كنمي و تدارك روزگار گذشته كنمي فر د اقيامت فارجهما نفل
 صالحا كويي پس ترا كويند اي احمق از بجا اي اي فرزند همت در جان مي بايد
 داد و مهرت در نفس و بر در كسي بايد نشست كه نظر نگاه كورستاني است

ان

آن قوم كه دران منزلگاه اند خطه بالخط منتظر اند ترا زينهار كه بي زاد
 و توشه نروي صديق اكبر رضی الله عنه و اكثر العباد بالله كه از
 چهار پاياني رخت مي فرمايد هذين الاجساد قفص الطيور و اوصطيل
 الدواب در خود انديشه كن كه اگر از رخاني چون آواز از جوي شني
 پرواز كنني و بلند تر جاي نشيني كه اشته العرش عبت سعد بن معاذ
 رضی الله عنه و اكثر العباد بالله كه از چهار پاياني رخت اوليك كالاشاء
 بل هم اصل يقين كه از زاويهها و پيري و قتي حن بهي راجت
 عليه شربت آب سرد دست دادند تا بخورد چون قرح دست گرفت
 بخود و گشت و قرح از دست او در افتاد چون با خود آمد گفتند ترا چه
 افتاد گفت ذكرت امنيته اهل النار يقولون لا اهل الجنة فيضوا
 علينا من الماء او عمار زكيم الله اي فرزند اگر ترا علم چه كفايت بودي
 و چه حاجت نمودي اهل من سايل اهل من تايب اهل من استغفر بيكار بود
 ندای من سايل كنه در سخاگان از بهر آنست كه كانوا قليلين من الليل يا
 يبعون و بالاسحار هم يستغفرون روزي صحابا رسول
 عليه السلام ذكر خبير عبد الله بن عارض رضي الله عنهم امير كند رسول فرمود نعم
 الرجل هو لو كان يصلي بالليل وهم رسول صلى الله عليه وسلم فرمود روزي
 يكي از صحابه يا قلان لا تكثير النوم بالليل فان كثرة النوم بالليل يذغ صفا
 فقيرا يوم القيامة اي فرزند و من الليل فتمجد بنا فانه لك اجراست و بالا
 هم يستغفرون شكراست و المستغفرون بالاسحار ذكر است و رسول